



سلسله مباحث مہدویت

اماکن مقدسہ مرتبط با حضرت مہدی

علی اصغر رضوانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات مسجد مقدس جمکران

-
- | | |
|--------------|--|
| ■ نام کتاب: | اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی <small>عج</small> |
| ■ مؤلف: | علی اصغر رضوانی |
| ■ صفحه آرا: | امیرسعید سعیدی |
| ■ ناشر: | انتشارات مسجد مقدس جمکران |
| ■ تاریخ نشر: | تابستان ۱۳۸۵ |
| ■ نوبت چاپ: | اول |
| ■ چاپ: | سرور |
| ■ تیراژ: | ۳۰۰۰ جلد |
| ■ قیمت: | ۲۵۰ تومان |
| ■ شابک: | ۹۶۴ - ۸۴۸۴ - ۹۵ - ۳ |

-
- | | |
|--|---------------------------|
| ■ مرکز پخش: | انتشارات مسجد مقدس جمکران |
| ■ فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران | |
| ■ تلفن و نمابر: | ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ |
| ■ قم - صندوق پستی: | ۶۱۷ |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

اماكن مقدسه مرتبط
با حضرت مهدي «عليه السلام»

تأليف: علي اصغر رضواني

فهرست مطالب

مقدمه ناشر ۷

مسجد جمکران

- تاریخچه مسجد مقدس جمکران ۹
- نماز امام زمان علیه السلام ۱۴
- خبر از مسجد جمکران ۱۶
- مستند ساختمان مسجد جمکران ۱۸
- مدرک نماز خاص مستحبی در مسجد جمکران ۱۸
- اعتبار سند بنای مسجد مقدس جمکران ۱۹
- کتاب «تاریخ قم» ۲۰
- کتاب «مونس الحزین» ۲۰
- انتساب «مونس الحزین» به شیخ صدوق ۲۱
- اهمیت مسجد جمکران ۲۲
- مدرک چهل بار رفتن به جمکران ۲۳
- مدرک شب چهارشنبه ۲۵
- تشریح بعد از چهل شب چهارشنبه ۲۶

چرا به جمکران می‌رویم؟ ۲۶

مسجد سهله

سفارش به حضور در مسجد سهله ۳۱

شب چهارشنبه در مسجد سهله ۳۲

سرداب مقدس

اتهام اهل سنت به شیعه ۳۷

پاسخ یک اتهام ۳۹

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت ۴۷

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حق جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات
مسجد مقدّس جمکران
حسین احمدی

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی که از بزرگان قدمای علمای شیعه و از معاصرین شیخ صدوق علیه السلام بوده است، در کتاب خود به نام تاریخ قم، راجع به بنای مسجد مقدس جمکران از کتاب «مونس الحزین فی معرفة الحق والیقین» چنین نقل کرده است:

شیخ حسن مثله جمکرانی که یکی از صلحا است می‌گوید: من شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان ۳۹۳ هـ ق در منزل خود در قریه جمکران خوابیده بودم، نیمی از شب گذشته بود که ناگاه عده‌ای از مردم به در خانه من آمدند و مرا بیدار کردند و گفتند که: برخیز و مولای خود حضرت مهدی صاحب الزمان صلوات الله علیه را اجابت کن که تو را طلب نموده است.

حسن می‌گوید: من برخاستم و خود را جمع و جور کرده و آماده شدم، گفتم بگذارید تا پیراهنم را بپوشم، آواز دادند که «هُوَ مَا كَانَ قَمِيصُكَ» پیراهن را نپوش که از تو نیست، دست بردم و شلوار خود را بر گرفتم، ندا آمد که «لَيْسَ ذَلِكَ مِنْكَ فَخُذْ سَرَاوِيلَكَ» آن شلواری که برگرفتی از تو نیست، از آن خود را بردار؛ آن را انداختم و شلوار خود را برگرفتم و پوشیدم، آن‌گاه به طرف کلید رفتم تا درب منزل را باز کنم، آواز دادند که «الْبَابُ مَفْتُوحٌ» درب باز است، چون به در منزل آمدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب دادند و مرحبا گفتند.

آن‌ها مرا به مکانی که هم‌اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش‌ی نیکو بر آن پهن و بالش‌های فاخر بر آن نهاده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت تکیه و بر چهار بالش تکیه کرده و پیرمردی هم در نزد او نشسته و کتابی در دست گرفته و بر آن جوان می‌خواند و بیشتر از شصت مرد در اطراف او بر این زمین در حال نماز خواندن بودند که بعضی جامه‌های سفید و بعضی دیگر جامه‌های سبز بر تن داشتند.

آن پیرمرد حضرت خضر علیه السلام بود و مرا امر به نشستن نمود، آن‌گاه امام علیه السلام آمدند و فرمودند: برو به حسن مسلم بگو تو پنج سال است که این زمین را تصرف کرده و در آن چیز کاشته و کشاورزی می‌نمایی، ولی ما آن را خراب می‌کنیم.

این زمین شریفی است و حقّ تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده و شرافت داده است، امسال باز هم آن را مرتب نموده‌ای تا در آن به کشت و زرع پردازی و حال آن که تو را چنین اجازه و حقّی نیست، بنابراین هر بهره و نفعی که تا به حال از این زمین برگرفته‌ای باید برگردانی تا در این مکان مسجدی بنا کنند.

خدای عزّوجلّ به خاطر این امر خلافی که انجام داده‌ای و آن را جزء زمین خود کرده دو پسر جوان تو را بازگرفت اما تنبیه نشدی، اگر باز هم بخواهی چنین کنی کیفر الهی، آن گونه که آگاه نباشی، به تو خواهد رسید.

عرض کردم: ای آقا و مولایم؛ برای این موضوع باید نشانه و علامتی داشته باشم؛ زیرا مردم بدون نشانه سخن مرا قبیول نمی‌کنند، امام علیه السلام فرمود:

«إِنَّا سَنَعْلَمُ هُنَاكَ عِلْمًا» ما در اینجا علامت و نشانه قرار می‌دهیم تا سخن تو را تصدیق نمایند، تو برو و رسالت ما را انجام بده، (در قم) نزد سید ابوالحسن برو به او بگو تا با تو بیاید و حسن مسلم را حاضر نماید و منافع چند ساله را از او بگیرد و به مصرف بنای مسجد برساند. بقیه مخارج را از قریه رهق آردهال که ملک ماست بیاورند و ساختمان مسجد را تمام کنند، نصف قریه رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله در آمد آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد نمایند.

مردم را بگو تا رغبت به این مکان نمایند و آن را عزیز دارند، چهار رکعت نماز اینجا بگذارند: دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد است که در هر رکعتی یک بار سوره حمد و هفت بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خوانده می‌شود و ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار کنند. دو رکعت دوم را به نیت نماز امام زمان علیه السلام بخوانند به این ترتیب که چون سوره حمد را شروع به خواندن نمایند و به إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ برسند آن را صد بار تکرار کنند و بعد از آن بقیه سوره حمد را بخوانند، و سپس سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را فقط یک بار بخوانند و آن‌گاه ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار نمایند، رکعت دوم را نیز به همین طریق بخوانند، چون نماز را تمام کنند یک بار تهلیل (لا اله إلا الله) بگویند و سپس تسبیحات حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را خوانده و سر به سجده گذارند و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش علیهم السلام بفرستند.

سپس امام علیه السلام فرمودند: «فَمَنْ صَلَّى فِيهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ»؛

«هرکس این نماز را بخواند مانند آن است که در کعبه نماز خوانده باشد.»

حسن مثله جمکرانی می‌گوید: من به راه افتادم چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی چوپان است، اگر مردم ده بهای آن را دادند و گرنه، از مال خود آن را خریداری کن و فردا شب، به این مکان بیاور و آن را بکش، آن‌گاه روز هیجدهم ماه مبارک رمضان گوشت آن را بین بیماران انفاق کن، هر مریض و بیماری که از گوشت آن بخورد حق تعالی شفایش دهد، نشانی آن بز این است که ابلق بوده و موهای بسیار دارد و هفت علامت دیگر نیز داشته، سه علامت در طرفی و چهارتای دیگر در طرف آخر.

حسن مثله می‌گوید: به منزل برگشتم، تمام شب را در اندیشه بودم، تا صبح طلوع کرد و نماز را خواندم، سپس به منزل علی المنذر رفتم و احوال دیشب را با وی گفتم، با یکدیگر به آن جایگاه که مرا شب برده بودند رفتیم، قسم به خدا میخ‌ها و زنجیرهایی که حدود بنای مسجد را نشان می‌داد را مشاهده کردیم و آن‌ها همان نشان و علامتی بود که امام علیه السلام فرموده بودند.

سپس به طرف منزل سید ابوالحسن در قم حرکت کردیم، چون به در منزل او رسیدیم خادمش را دیدیم که درب منزل در انتظار ماست، سؤال کرد تو از جمکرانی؟ گفتم: بلی، گفت سید از سحرگاه منتظر تو است.

من به داخل منزل او رفتم و سید ابوالحسن را سلام کردم، جوابی نیکو داد و ما را اعزاز و احترام کرده و بنشانید، آن‌گاه قبل از اینکه من چیزی بگویم به من فرمود: ای حسن مثله! شب گذشته خوابیده بودم، در خواب شخصی به من گفت: «بامداد مردی به نام حسن مثله از جمکران پیش تو آید، آنچه به تو

گوید او را تصدیق کن و بر گفتار او اعتماد نما؛ زیرا سخن او، سخن ماست و باید قول او را رد نکنی». از خواب بیدار شدم، تا این ساعت منتظر تو بودم. حسن مثله می‌گوید: من هم تمام احوال شب گذشته را با شرح و تفصیل برای سید ابوالحسن بیان کردم، سید بلافاصله دستور داد تا اسب‌ها زین کردند و بیاوردند و سوار شدیم، چون به نزدیک ده رسیدیم جعفر چوپان گله‌اش را در کنار جاده می‌چرانید، من در میان گله رفتم، بزی که از عقب گوسفندان می‌آمد به طرف من دوید، آن بز را گرفتم و به نزد جعفر چوپان آوردم، تا بهای آن را بدهم، جعفر سوگند یاد کرد که من هرگز این بز را ندیده‌ام و در گله من نبوده است، مگر امروز که می‌بینم، و هر چند که می‌خواهم آن را بگیرم ممکن نمی‌شود و اکنون که به نزد شما آمد.

پس بز را همچنان که امام علیه السلام فرموده بود در آن جایگاه آوردیم و ذبح نمودیم و گوشت آن را بین بیماران تقسیم کردیم و همه شفا یافتند. سید ابوالحسن، حسن مسلم را احضار کرد و منافع چند ساله زمین را از او گرفت و امر کرد تا وجوه در آمد روستای رهق را نیز آوردند و مسجد را بنا کردند و با چوب پوشانیدند.

سید ابوالحسن الرضا زنجیره‌ها و میخ‌ها را به قم برد و در منزل خود گذاشت و بیماران می‌رفتند و خود را به آنها می‌مالیدند و خدای تعالی شفای عاجل می‌داد.

ابوالحسن محمد بن حیدر گوید که شنیدم که سید ابوالحسن الرضا در محله موسویان در شهر قم مدفون است و پس از او فرزندش بیمار شد و وی

به سر صندوقی که زنجیرها و میخها در آن نگهداری می شد رفت تا به وسیله آنها شفا یابد، هنگامی که سر صندوق را باز کرد اثری از زنجیرها و میخها نیافت و هر چه مردم جست و جو کردند فایده‌ای نبخشید.

مرحوم محدث نوری بعد از نقل این واقعه شریفه مطالبی را می فرماید که خلاصه اش این است:

عالم جلیل آقا محمد علی کرمانشاهی تاریخ این قصه را در سال ۳۹۳ نقل کرده است ولی ظاهراً در نوشتن اشتباه شده و در اصل ۳۷۳ بوده است؛ زیرا وفات شیخ صدوق قبل از ۳۹۰ می باشد و این قصه هم در زمان حیات شیخ صدوق واقع شده است.

اما دو رکعت نماز منسوب به آن حضرت، از نمازهای معروف است و جماعتی از علمای بزرگ آن را روایت کرده اند:

نماز امام زمان عجل الله فرجه

۱ - مرحوم شیخ طبرسی صاحب تفسیر در کتاب «کنوزالنجاح» این نماز را به همان ترتیب که در ضمن قصه گذشت روایت نموده و بعد از نماز دعایی را نقل فرموده است، اما از تهلیل و تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها و صد بار صلوات، ذکری به میان نیاورده است.

۲ - مرحوم سید عظیم القدر سید فضل الله راوندی در کتاب دعوات در ضمن نمازهای معصومین می فرماید: نماز مهدی صلوات الله و سلامه علیه دو رکعت است، در هر رکعت حمد یک مرتبه و صد مرتبه ایتاک نعبد و ایتاک

نستعین، و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم اجمعین می فرستد.

۳ - مرحوم سید جلیل علی بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع، همین نماز را به گونه‌ای که مذکور شد نسبت به آن حضرت داده، ولیکن ذکر صد مرتبه صلوات بعد از آن را نقل نکرده و فرموده است که این دعای پس از نماز خوانده شود: «إِلَهِی عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ...»

خبر از مسجد جمکران

در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که خطاب به پسر یمانی فرمود: «ای پسر یمانی! قائم آل محمد علیه السلام در اول ظهور از شهری خروج می‌کند که آن را قم می‌نامند. او مردم را به حق دعوت می‌کند و همه خلائق از شرق و غرب عالم به آن شهر بیایند و اسلام زنده گردد. و هر کس که از ترس دشمنان مخفی شده بیرون آید. و حوش و پرندگان در مسکن‌ها و جایگاه خود در کمال آرامش بخوابند. چشمه آب حیات از آن شهر ظاهر شود، آبی که هر کسی بیاشامد هلاک نشود. چشمه‌های بسیاری پدید آید و از آن پرچم حق ظاهر گردد و میراث همه انبیا بر روی آن سرزمین باشد.

ای پسر یمانی! این سرزمین، مقدس است و از تمام پلیدی‌ها پاک می‌باشد و خداوند متعال اراده کرده که بهترین خلق خود را ساکن آن گرداند که دعایش مستجاب است. و حشر و نشر مردم از این سرزمین می‌باشد. و در این سرزمین قصری عظیم بنا کنند بعد از آن که قصر مجوس پابرجا بوده است. و آن قصر از صاحب شهرت ملک روم است. و در این سرزمین گوسفند ابراهیم خلیل را آورده و قربانی کنند. و در این سرزمین هزار بت از بت‌های اهل روم را بشکنند و نور حق بر این سرزمین ساطع گردد، و از اینجا بوی مشک به مشام رسد. حق تعالی بیت العتیق را به این شهر فرستد و بناها و آسیاب‌ها در این سرزمین ایجاد شود، و منازل و زمین‌های آن عالی و گران‌بها گردد به طوری که زمینی را به بزرگی پوست گاو به پانصد دینار دهند و عمارت آن هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد. و پرچم او را بر این کوه سفید زنند به نزد دهی که کهن

که در جنب مسجد است و قصری کهن که قصر مجوس باشد و آن ده را جمکران نامند. او از زیر یک مناره آن مسجد نزدیک آنجا که آتشیخانه گبران بوده بیرون آید. و حضرت امام علیه السلام سفطی از زر بسته باشد و بر براق سوار شده و با ملائکه مقرب و حاملان عرش گردش نماید. و منطق آدم و علم خلیل الله و حکمت حضرت داود و عصای موسی و انگشتر حضرت سلیمان و تاج طالوت همراه با او باشد، و بر سر او نام هر پیامبر و وصی و نام هر مؤمن و موحدی نوشته شده است.^۱ اگر کسی اشکال کند که مطابق روایتی حضرت مهدی علیه السلام از منطقه‌ای به نام کرعه ظهور خواهد کرد، و مطابق روایتی دیگر امام زمان علیه السلام از مکه ظهور خواهد نمود؟ در جواب گوییم: این سه روایت قابل جمع است؛ زیرا ابتدا بر چند قسم است: ابتدای حقیقی، اضافی و عرفی. و لذا می‌توان گفت که حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور به این سه منطقه سفر کرده و در آخر از کنار کعبه اعلام ظهور خواهند نمود.

مستند ساختمان مسجد جمکران

مستند مسجد جمکران قضیه‌ای است که مرحوم حاجی نوری در کتاب «نجم الثاقب» و «جنت المأوی» و «الکلمة الطیبة» و نیز میرزا محمد تقی ارباب قمی در کتاب «تاریخ دارالایمان» و دیگران از کتاب «تاریخ قم» تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی، به نقل از کتاب «مونس الحزین» محمد بن بابویه معروف به شیخ صدوق نقل کرده‌اند.

این نقل مشتمل بر قضیه‌ای از حسن بن مثله جمکرانی رضی الله عنه است که در آن اشاره به ملاقاتی شده که او در سال ۲۹۳ هجری در بیداری با امام زمان علیه السلام داشته است. در این دیدار حضرت به او دستور می‌دهد که با عالم جلیل‌القدر سید ابی‌الحسن الرضا از علمای قم ارتباط پیدا کرده و با کمک او مسجدی را در این مکان موجود بنا نماید...^۱

قابل توجه اینکه کتاب «انوار المشعشعین» از کتاب «تاریخ قم» و او نیز از کتاب «مونس الحزین» از امیرالمؤمنین علیه السلام، قضیه به اهتزاز در آمدن پرچم امام زمان علیه السلام از مسجد جمکران را نقل کرده است.

مدرک نماز خاص مستحبی در مسجد جمکران

در قضیه‌ای که حسن بن مثله جمکرانی نقل می‌کند، آمده است: حضرت فرمود: «... در این مکان هفت روز اقامت کن و در آن چهار رکعت نماز گزار، دو رکعت نماز تحیت مسجد، در هر رکعت یک بار سوره حمد و هفت بار سوره»

اخلاص، و تسبیح رکوع و سجود را نیز هفت بار تکرار کن. و دو رکعت نیز نماز به نیت نماز صاحب الزمان به جای آور، در رکعت اوّل سوره حمد، و هنگامی که به «ایّاك نعبد و ایّاك نستعین» رسیدی این جمله را صدبار تکرار کن، و بعد از اكمال سوره حمد، یک بار سوره اخلاص را می خوانی، آن گاه ذکر رکوع و سجود را هر کدام هفت بار می گویی، و در رکعت دوم نیز همین عمل را تکرار می کنی. بعد از اتمام نماز یک بار ذکر «لا إله الاّ الله» می گویی و بعد از تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام صد بار صلوات در سجده می فرستی. آن گاه فرمود: بر تو باد به مواظبت بر این نماز و هر کس در آن مسجد حاضر شود و این نماز را به جای آورد مثل آن است که در بیت العتیق (خانه خدا) نماز گزارده است».

اعتبار سند بنای مسجد مقدّس جمکران

در مورد بنای مسجد مقدس جمکران و خواندن نماز در آن، احتیاج به بررسی سند این قضیه نیست، زیرا مطابق احادیث صحیح السند که در مورد اعمال مستحب رسیده هرکس به گمان رسیدن به ثواب، عمل مستحبی را انجام دهد به او ثواب داده می شود گرچه آن حدیث واقعیت نداشته باشد. کلینی به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «من سمع شیئاً من الثواب علی شیئ فسنعه کان له وإن لم یکن علی ما بلغه»؛ «هرکس چیزی از ثواب بر عملی بشنود و آن را انجام دهد، به او پاداش داده خواهد شد گرچه مطابق آنچه به او رسیده نباشد».

برقی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «من بلغه عن النبی شیئ من الثواب فعمله کان اجر ذلک له وإن کان رسول الله صلی الله علیه و آله لم یقله»؛ «هرکس از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی از ثواب به او برسد و مطابق آن عمل کند، پاداش آن به او داده می شود گرچه پیامبر آن را نفرموده باشد».

کتاب «تاریخ قم»

کتاب «تاریخ قم» که الآن در دسترس محققین است یک چهارم اصل کتاب می باشد؛ زیرا مطابق آنچه در کتاب آمده این کتاب مشتمل بر بیست باب بوده که تنها پنج باب آن به دست رسیده و چاپ شده است. و لذا احتمال قوی است که قضیه جمکران در آن بخشی از «تاریخ قم» بوده که مفقود شده است. و مرحوم محدث نوری و مشایخ او بر اصل کتاب دسترسی پیدا نکرده اند. و لذا او این قضیه را از سید نعمت الله جزایری نقل کرده که اصل نسخه «تاریخ قم» در دسترس او بوده است.

کتاب «مونس الحزین»

ما نیز انتساب این کتاب را به شیخ صدوق علیه السلام بعید می دانیم، ولی این، دلیل نمی شود که کتاب «مونس الحزین» وجود خارجی نداشته باشد، بلکه برای شخص دیگری است.

ابن شهر آشوب در «المناقب» این کتاب را به فتال نیشابوری نسبت می دهد و می گوید: فتال نیشابوری در کتاب مونس الحزین به سندش از

عیسی بن حسن از صادق علیه السلام ...، آن گاه با این سند معجزه‌ای از معجزات امام حسن مجتبی علیه السلام را نقل می‌کند.^۱

علامه مجلسی نیز این معجزه را از کتاب «المناقب» نقل کرده و در انتساب این کتاب به فتال نیشابوری اعتراضی نکرده است.^۲

قبل از مرحوم مجلسی، سید محمد بن ابی طالب حسینی در کتاب «تسلية المجالس» از کتاب «مونس الحزین» فتال نیشابوری حدیث نقل کرده و در انتساب کتاب به او هیچ گونه تردیدی نکرده است.

انتساب «مونس الحزین» به شیخ صدوق

احتمال دارد که این قضیه به جهت تناسب با تاریخ قم در حاشیه این کتاب نوشته شده و سپس به مرور زمان از حاشیه داخل متن کتاب شده است. و از آنجا که فتال نیشابوری در سال ۵۰۸ هـ به شهادت رسیده و دو قرن بعد از نویسنده کتاب تاریخ قم بوده که معاصر شیخ صدوق است، لذا این کتاب به شیخ صدوق نسبت داده شده است.

این کار بسیار زیاد اتفاق افتاده است که صاحب «قاموس الرجال» نمونه‌هایی از آن را نقل می‌کند. از آن جمله اینکه در کتاب «مُقنعه» شیخ مفید علیه السلام در مورد حدیث نماز استخاره ذات الرقاع آمده است. «وهذه الرواية شاذة».^۳

۲. بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۳۲۷.

۱. المناقب، ج ۴، ص ۸.

۳. المقنعة، ص ۲۱۹.

ولی مرحوم مجلسی بعد از نقل کلام «مُقنعه» می‌گوید: «سید بن طاووس می‌گوید: نزد من نسخه‌ای قدیمی از کتاب «مُقنعه» است که تاریخ آن منطبق بر عصر شیخ مفید است و در آن این جمله: «وهذه الرواية شاذة» وجود ندارد. لذا ممکن است که برخی از حاشیه نویسان آن را در حاشیه کتاب نوشته ولی به مرور زمان داخل در متن کتاب شده است.^۱

مؤید این مطلب اینکه در زمان قدیم چاپ نبوده و از روی هر کتاب استنساخ (رونویسی) می‌کرده‌اند و افرادی بودند که حرفه آن‌ها رونویسی بوده است هر چند خودشان عالم به مباحث آن کتاب نبوده‌اند.

اهمیت مسجد جمکران

این مسجد از اهمیت خاص برخوردار است:

۱ - مسجد، در مکانی بنا شده که مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی از امام زمان علیه السلام، از مکان‌هایی است که خداوند متعال از قبل مورد توجه قرار داده است.

۲ - مسجد به امر و دستور حضرت حجت علیه السلام بنا شده است، و همین جهت در شرافت و قداست آن کافی است.

۳ - ثواب خاصی که برای نماز در آن مسجد ذکر شده است، زیرا حضرت فرمود: «هر کس آن دو نماز را در این مکان بخواند به مانند آن است که در بیت العتیق نماز به جای آورده است».

۴ - مسجد مقدس جمکران محلّ اجتماع عشاق و موالیان اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام زمان علیه السلام است و لذا از جاذبه خاصی برخوردار می باشد. چه بسا کسانی که هر هفته از راه های دور به عشق حضرت مهدی علیه السلام به این مکان آمده و از فیوضات حضرت بهره مند می شوند. طبق آمار می که داده شده برخی از شبها تا حدود یک میلیون نفر نیز در این مکان مقدس از عشاق امام زمان جمع شده اند.

۵ - این مکان از اماکن مقدس است که بسیاری از گرفتاران و بیماران صعبالعلاج بلکه کسانی که محال بوده از راه طبیعی علاج شوند در این مکان مقدس شفا یافته اند.

۶ - این مکان مقدس از جمله مکان هایی است که بسیاری از عشاق و موالیان حضرت به لقای ایشان شرفیاب شده اند.

۷ - این مکان از چنان قداست و احترامی برخوردار است که بزرگان علما در طول تاریخ آن با پای پیاده یا سواره برای توسل به حضرت و نماز گزاردن در آن، از راه های دور و نزدیک، مشرف شده اند.

مدرک چهل بار رفتن به جمکران

در مورد سؤال فوق دلیل خاصی وجود ندارد بلکه از سه طریق می توان مشروعیت آن را به اثبات رسانید:

۱ - سیره متشرّعه از علما و صلحا و اتقیا بر مداومت رفتن چهل بار به مسجد جمکران است همان گونه که این عمل در مسجد سهله نیز انجام می شود.

۲ - در روایات بسیاری به این مطلب اشاره شده که هرکس چهل روز خود را برای خدا خالص کند چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می‌گردد.^۱

۳ - از مجموعه روایات استفاده می‌شود که عدد چهل در شکوفایی قابلیت‌های مادی و معنوی تأثیر بسزایی دارد، از آن جمله:

- تأثیر عدد چهل در رشد فرزند در رحم.
- تأثیر شراب خوردن در عدم قبولی نماز تا چهل روز.
- قبولی توبه بهلول نباش بعد از چهل روز.
- کناره‌گیری پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه به جهت انعقاد نطفه حضرت زهرا علیها السلام به مدت چهل روز.

- چهل روز دعای عهد را خواندن باعث می‌شود که انسان از یاران امام زمان علیه السلام باشد.

- امام زمان علیه السلام هم چهل روز تحت تربیت ملائکه بود.
- طینت حضرت آدم علیه السلام در چهل روز خمیر شد.
- حضرت موسی علیه السلام تا چهل روز با خداوند در کوه طور ملاقات داشت.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از چهل سالگی به نبوت مبعوث شد.
- عقل انسان تا چهل سال قابل رشد است.
- شهادت چهل مؤمن بر میت موجب مغفرت او از جانب خداوند می‌شود.
- حفظ چهل حدیث انسان را در قیامت، فقیه محشور می‌کند.

... حدّ همسایه تا چهل خانه است.

... حریم مسجد تا چهل خانه است.

و سایر موارد.

از این احادیث و موارد دیگر استفاده می‌شود که عدد چهل در قابلیت بخشیدن و رساندن انسان به کمالات و شکوفا شدن او تأثیر بسزایی دارد، و لذا می‌توانیم از این موارد الغای خصوصیت کرده، عدد چهل و چله‌گیری را در تمام موارد کارهای خیر تعمیم دهیم.

سید بحرالعلوم می‌گوید: «ما بالعیان مشاهده کرده‌ایم و به بیان دانسته‌ایم که برای این رقم از عدد «چهل» خاصیت و تأثیر مخصوصی در ظهور استعدادها و تکمیل ملکات انسانی در طی منازل و پیمودن مراحل است».^۱

مدرک شب چهارشنبه

مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی، که خدمت حضرت مشرف شد، ملاقات در شب سه‌شنبه بوده است. حضرت به او دستور می‌دهد که در میان گله جعفر کاشانی بزی است، بر تو است که آن را خریده و در این موضع ببری و آن را در شب آینده «شب چهارشنبه» ذبح کنی و گوشت آن را در روز چهارشنبه توزیع نمایی...^۲

از تعبیر و دستور امام علیه السلام که فرمود: شب چهارشنبه بز را ذبح کن استفاده شده که این شب از ارزش خاصی برخوردار است، و لذا مخلصین حضرت در

۱. رساله سیر و سلوک، ص ۲۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۲.

این شب مبارک دور هم جمع می‌شوند و با استمداد از خداوند متعال و توسل به آن حضرت درصدد ذبح نفس اماره خویش برآمده و حاجات خود را از آن حضرت طلب می‌کنند.

تشریف بعد از چهل شب چهارشنبه

در مورد مسجد جمکران دلیل خاصی نداریم که اگر کسی چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران برود به زیارت حضرت مهدی علیه السلام مشرف می‌شود. ولی این مطلب را می‌توان از راه دیگری به اثبات رسانید، و آن اینکه: مطابق برخی از روایات عدد چهل اثری تکوینی در بروز استعدادها و به فعلیت رسیدن آنها دارد. حال اگر کسی به نیت تشریف به محضر مبارک حضرت بقیه الله الاعظم به این مکان مقدس شرفیاب شود و جداً از خدا ملاقات را بخواهد. و از طرف دیگر خود را برای ملاقات با آن انسان کامل آماده کند و قابلیت ملاقات را نیز با اعمال صالحه تحصیل نماید، امید است که به ملاقات آن حضرت شرفیاب گردد، همان گونه که افراد بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند.

چرا به جمکران می‌رویم؟

ما معتقدیم که امام زمان علیه السلام احاطه علمی دارد و هر کجا که مصلحت ببیند می‌رود، ولی مسجد جمکران از ویژگی خاصی برخوردار است:
اولاً: مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی، این مکان مقدس به امر

مبارک امام زمان علیه السلام ساخته شده و حضرت از مردم خواسته‌اند تا در این مکان حاضر شده و چهار رکعت نماز با طرز مخصوص آن بخوانند.

ثانیاً: این مکان مقدس در طول قرن‌ها محلّ اجتماع عشاق و دلسوختگان حضرت است که از اطراف و بلاد مختلف به آن مکان می‌آیند، و لذا ما نیز می‌توانیم از برکات آن مکان مقدس بهره‌مند شده و از نفوس دیگران نیز استفاده نماییم. و لذا گفته‌اند که دست خدا با جماعت است.

ثالثاً: نفس حرکت به سوی محبوب از راه دور برای رسیدن به او آثار و برکات عجیبی دارد. از یک طرف باعث توجه بیشتر او به انسان شده و از طرف دیگر انسان را در توجه بیشتر به آن حضرت ترغیب می‌نماید.

مسجد سهله

مسجد سهله

مطابق برخی از روایات این مسجد اقامتگاه شخصی حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - در دوران ظهور خواهد بود.

۱ - روزی نزد امام صادق علیه السلام سخن از مسجد سهله به میان آمد، حضرت فرمود: «اما إنه منزل صاحبنا إذا قام بأهله»؛^۱ «آگاه باشید! همانا آن مکان اقامتگاه صاحب ما است، هنگامی که با اهلش قیام کند.»

۲ - و نیز از حضرت علیه السلام نقل شده که خطاب به ابوبصیر فرمود: «یا ابا محمد! کأني أرى نزول القائم عليه السلام في مسجد السهلة بأهله وعياله»؛^۲ «ای ابامحمد! گویا فرود آمدن قائم علیه السلام را با اهل و عیالش در مسجد سهله با چشم خود می بینم.»

سفارش به حضور در مسجد سهله

مطابق برخی از روایات، حضور در این مسجد و نماز به جای آوردن در آن سفارش بسیار شده است:

۱ - امام صادق علیه السلام خطاب به علاء بن رزین فرمود: «در نزدیکی شما مسجدی هست که شما آن را «مسجد سهله» نامیده و ما آن را «مسجد

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶.

۱. کافی، جلد ۳، ص ۴۹۵.

شری» می‌نامیم. آیا در آن مسجد نماز به جا می‌آوری؟ علاء گفت: آری، جانم به فدایت، من در آن جا نماز می‌خوانم. آن‌گاه حضرت فرمود: «اِنَّهُ، فَانَّهُ لَمْ يَأْتَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كَرْبَهُ - او قال: قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ...»؛^۱ «آن جا برو؛ زیرا هرگز اندوهناکی به آن جا نمی‌رود جز این که خداوند اندوهش را می‌زداید. - یا فرمود: حاجتش را برآورده می‌کند...».

۲ - و نیز از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ما من مَكْرُوبٍ يَأْتِي مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَيُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ وَيَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى الْإِفْرَاجَ لِلَّهِ كَرْبَهُ»؛^۲ «هیچ غم‌زده‌ای نیست که به مسجد سهله برود و در آن دو رکعت نماز بین مغرب و عشا به جای آورد و خدا را بخواند، جز آن که خداوند غم‌هایش را زایل می‌گرداند.»

۳ - و نیز فرمود: «إِذَا دَخَلْتَ الْكُوفَةَ، فَأَتِ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ، فَصَلِّ فِيهِ وَاسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ لَدِينِكَ وَدِينَاكَ»؛^۳ «هرگاه وارد کوفه شدی به مسجد سهله برو و در آن جا نماز بگذار، آن‌گاه حاجت‌های مادی و معنوی خود را از خداوند طلب کن.»

شب چهارشنبه در مسجد سهله

در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه، مدرکی از ناحیه اهل بیت علیهم السلام به دست ما نرسیده است، جز این که سید بن طاووس فرموده:

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۶.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۴.

«اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشای شب چهارشنبه قرار بده که این وقت از دیگر وقتها برتر است»^۱
محدث نوری در این مورد می‌گوید: «اما مستند چهل شب همان عمومات است»^۲

مقصود ایشان از عمومات، روایاتی است که بر عدد چهل و عمل چله‌گیری آثار مترتب کرده است.

۱. مصباح الزائر، ص ۱۰۵.

۲. النجم الثاقب، ص ۸۴۵.

سر داب مقدس

سرداب مقدس

اهل سنت برای استهزاء عقاید شیعه درباره امام زمان می‌گویند: شیعه معتقد است که مهدی موعود بعد از تولدش در سردابی مخفی شد و غیبت خود را از آنجا شروع کرد و تاکنون در آن سرداب مخفی است، و هنگام ظهور نیز از همان سرداب خروج خواهد نمود، و لذا شیعیان از صبح تا غروب در آن سرداب به انتظار ظهورش می‌نشینند و اشک ماتم می‌ریزند.

اتهام اهل سنت به شیعه

ذهبی می‌گوید: «محمد بن حسن عسکری، فرزند علی الهادی، فرزند جواد، فرزند علی الرضا، ابوالقاسم علوی حسینی، خاتم دوازده امام نزد شیعه، او منتظر رافضه است، کسانی که گمان می‌کنند او مهدی و صاحب الزمان و خلف حجت است. و اوست صاحب سرداب در سامراء... آنان چهارصد و پنجاه سال است که انتظار ظهور او را دارند، و ادعا می‌کنند که او وارد سردابی در خانه پدر خود شد در حالی که مادرش او را نظاره می‌کرد و تاکنون از آن سرداب خارج نشده است، او در حالی که نه ساله بود در آن سرداب داخل شد و معدوم گشت».^۱

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹.

ابن خلکان می‌نویسد: «رأی شیعه دربارهٔ مهدی آن است که او منتظر قائم مهدی، و صاحب سرداب است. گفته‌های آنان در رابطه با مهدی بسیار است. شیعیان انتظار ظهور او را در آخرالزمان از سرداب سامرا دارند... آنان می‌گویند: که او وارد سردابی در خانه پدر خود شد در حالی که مادرش او را نظاره می‌کرد، و تاکنون از آن سرداب بازنگشته است...»^۱

گنجی شافعی می‌نویسد: «بقای مهدی در قید حیات در سرداب در طول این مدت بدون طعام و آب به قدرت خداوند سبحان بوده است.»^۲

ابراهیم مشوخی از علمای اهل سنت می‌گوید: «قول چهارم دربارهٔ مهدی آن است که او همان محمد منتظر فرزند حسن عسکری از نسل حسین بن علی - نه از نسل حسن - است، او کسی است که در تمام شهرها حاضر بوده ولی از دیدگان غائب است. کسی که وارث عصای موسی است، و فضا را خواهد پیمود. او در حالی که طفل صغیری بود بیش از پانصد سال است که داخل سرداب سامرا شده و بعد از آن هرگز کسی او را ندیده و کسی از او خبر و اثری ندارد. شیعیان هرروز به انتظار نشسته، اسب‌های خود را بر در سرداب نگاه داشته و فریاد می‌آورند: ای مولای ما بیا به سوی، ما و این کار هر روز آنها است.»^۳

ابن خلدون در تاریخ خود می‌نویسد: «شیعه گمان می‌کند که امام دوازدهم خود به نام محمد بن حسن عسکری و ملقب به مهدی، وارد سرداب خانه خود در حله شده و از زمانی که با مادرش زندانی شدند در آن سرداب غائب است،

۱. تاریخ ابن خلکان.

۲. البیان، فصل آخر.

۳. المهدي المنتظر، ۵۸ - ۵۹، چاپ اردن.

و اوست که در آخرالزمان خروج کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود... آنان تاکنون به انتظار او نشسته‌اند و او را بدین جهت منتظر می‌نامند. هر شب بعد از نماز مغرب با مرکبی که همراه خود آورده‌اند بر در این سرداب توقف می‌کنند و با اسم او را می‌خوانند و از او می‌خواهند که خروج کند و این عمل تا پاسی از شب ادامه دارد. آن‌گاه پراکنده می‌شوند تا شبی دیگر فرا رسد و این عمل را تکرار کنند»^۱.

آن‌گاه در مصادر ادعای خود به کتاب الفصل ابن حزم والملل والنحل شهرستانی آدرس می‌دهد.

عبدالمحسن بن حمد العباد از علما وهابی می‌نویسد: «اما مهدی نزد شیعه همان محمدبن حسن عسکری است، او در نیمه قرن سوم متولد شد و در حالی که صغیر بود داخل سردابی در سامراء شد و تاکنون در آن سرداب به سر می‌برد. و او همان امام دوازدهم از ائمه آنان است که معتقد به عصمت آن‌هایند»^۲.

سعد محمد حسن در کتاب «المهدية في الاسلام»^۳ و قصیمی در کتاب «الصراع بين الاسلام والوثنية»^۴ نیز همین اتهام را به شیعه وارد نموده‌اند.

پاسخ یک اتهام

اولاً: سرداب عبارت است از طبقه پایین ساختمان خانه که در مناطق گرمسیر به جهت حفاظت از گرمای شدید در روز، آن را می‌ساختند و این نوع

۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۹، فصل ۲۷.

۲. الرد علی کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی علیّه، ص ۳۰۱.

۳. المهدية في الاسلام، ص ۱۲۹ - ۱۳۰. ۴. الصراع بين الاسلام والوثنية، ص ۴۲.

ساختمان در غالب خانه‌های عراق مشاهده می‌شود، که سامراء نیز از آن مستثنا نبوده است.

امام هادی علیه السلام در خانه خود به جهت آسایش خانواده و حفاظت از گرما چنین سردابی را ساخته بودند، که بعد از شهادتشان به امام حسن عسکری علیه السلام به ارث گذارده شد.

طبق نص تاریخی امام مهدی علیه السلام از زمان ولادت از دیدگان مردم مخفی بود. و بعد از شهادت پدرش امام حسن عسکری علیه السلام بر جسد آن حضرت نماز بجای آورد و رسماً غیبت خود را از آن خانه آغاز کرد و از آنجا که سکنای حضرت و سایر اعضای خانواده او در آن سرداب بوده لذا مکان غیبت را به آن سرداب نسبت می‌دهند. این سرداب برای شیعیان اهل بیت علیهم السلام از آن جهت مقدس شمرده می‌شود که امام زمان و پدر و جدش علیهم السلام در آن به سر برده و عبادت به جای می‌آوردند، از همان مکان نیز امام زمان علیه السلام از انظار مردم غائب شد. و نسبت غیبت حضرت به سرداب همانند نسبت غیبت کل خانه و هر مکانی است که امام زمان در آن دیده شده است. لذا نهایت جهل و نادانی است که کسی به شیعه نسبت دهد که آنان معتقدند که امام زمان علیه السلام در سرداب غائب شده و تا هنگام خروج در آن باقی است!! زیرا مطابق روایات فراوان امام زمان در سرزمین‌های مختلف با موالیان خود وارد می‌شوند و در مناطق مختلف گردش می‌کنند. در موسمه‌های دینی همچون حج حاضر شده و اقامه شعائر می‌نماید و شاهد زنده‌ها و مرده‌ها خواهد بود.

و لذا بهترین و زیباترین تعبیری که می‌توان در مورد سرداب مقدس

وزیارت مردم از آن و اعتقادشان نسبت به آن به کار برد، این است: از آنجا که حضرت مکان خاصی ندارد لذا شیعیانسان در محل‌های اختصاصی به آن حضرت دور هم جمع می‌شوند و به یاد آن حضرت ندبه کرده و از او درخواست ظهورش را می‌کنند.

در حقیقت سرداب مقدس از آن جهت که شروع غیبت از آنجا بوده لذا جنبه رمزی داشته در آنجا شیعیان حضرت گرد هم می‌آیند و از خداوند متعال طلب خروج او را می‌کنند. مگر نه این است که برخی از مکان‌ها نسبت به برخی دیگر برتری داشته و دارای تبرک است؟ سرداب مقدس نیز محل عبادت سه امام از ائمه شیعه بوده است. مکانی که به امام زمان علیه السلام انتساب دارد.

مگر نه این است که در هر شهر و کشوری مکان‌های مقدسی به عنوان یادبود وجود دارد که شبانه روز صدها یا هزاران نفر در کنار آن‌ها جمع می‌شوند تا با توجه به آن‌ها یادبودی از مسائل و اموری اساسی و تجدید عهدی نسبت به آن‌ها باشد.

آنان هرگز آن مکان‌ها را تمجید و تقدیس نمی‌کنند، بلکه در کنار آن‌ها یاد افرادی را گرامی می‌دارند که در آن مکان‌ها می‌زیسته یا به جهتی به آن وابسته بوده‌اند.

علامه امینی در این زمینه می‌فرماید: «...شیعه اعتقاد ندارد که غیبت امام در سرداب است و خودشان او را در آن سرداب مخفی کرده‌اند و از همانجا نیز ظهور خواهد کرد، بلکه اعتقاد شیعه که با احادیث تأیید شده بر آن است که او از مکه معظمه مقابل خانه خدا ظهور خواهد کرد. هرگز کسی قائل نشده که

سرداب مقدس آن نور را در خود مخفی کرده است. بلکه آن، سرداب‌خانه امامان در سامراء بوده است. و این مسأله‌ای همگانی در خانه‌های عراق است که به جهت حفاظت از گرما می‌سازند. این سرداب به طور خصوص از آن جهت شرف پیدا کرده که به سه نفر از امامان دین منسوب است، خانه‌ای که خداوند متعال اذن داده که ارتفاع معنوی یافته و در آن اسم و ذکر خدا برده شود.^۱

ثانیاً: عقیده هر مذهبی را می‌توان از لابلای کتاب‌های علمای آن مذهب یافت. با مراجعه به کتاب‌های علمای شیعه از قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام تا این زمان که در دسترس همه وجود دارد، پی خواهیم برد که هیچ یک از آنها حتی نزد مبتدیان از آنها چنین اعتقادی را در مورد حضرت مهدی علیه السلام و غیبت و ظهور او ندارند. بلکه در کتب مربوط به حضرت اسمی از سرداب مقدس آورده نشده است به جز قضیه معتضد عباسی که در آن اشاره به سرداب حضرت شده است.

رشیق صاحب مادرای می‌گوید: «معتضد مرا به همراه دو نفر دیگر به سامرا فرستاد تا اگر فرزندی برای امام حسن عسکری است دستگیر نموده به نزد او آوریم، و آدرس دقیق منزل حضرت را نیز داد. ما به سامرا رسیدیم و منطقه را همان‌گونه که توصیف کرده بود یافتیم... او بعد از توصیف خانه حضرت و این که چگونه امام زمان را مشاهده کرده می‌گوید: ما هرچه کردیم که به او دسترسی پیدا کنیم، نتوانستیم، دور تا دور آن خانه را آب فرا گرفته بود، لذا هنگامی که احمد بن عبدالله قصد کرد نزدیک شود در آن آب غرق شد.

معتضد بعد از رسیدن خبر شکست آنها لشکری را به سوی خانه حضرت روانه کرد، آنان هنگامی که وارد خانه شدند صدای قرائت قرآن را از سرداب شنیدند، بر در سرداب ایستادند تا از آن خارج نشود. امیر آنان نیز منتظر بود تا تمام لشکر برسد، ولی امام زمان علیه السلام به قدرت الهی از در سرداب خارج شد و از جلو آنان گذشته و از دید آنها غائب شد. امیر می گوید: وارد سرداب شوید. به او می گویند: مگر همین طفل نبود که از جلو ما گذشت؟ امیر گفت: من او را ندیدم، چرا او را رها کردید؟ گفتند: ما گمان نمودیم که شما او را دیده‌اید و دستوری صادر نکردید.^۱

ظاهر آن است که این روایت سبب شده که سرداب حضرت را به سرداب غیبت بنامند، و یا به وجه دیگری که قبلاً به آن اشاره شد. ما هنگامی که به علمای اهل سنت عقیده‌ای را نسبت می‌دهیم مصدر و مرجع آن را ذکر می‌کنیم ولی - مع الاسف - اهل سنت در این نسبت به شیعه انصاف را به خرج نداده و بدون ذکر مرجع و مصدر این اتهام را به علمای شیعه نسبت داده‌اند.

ثالثاً: از روایات بسیاری استفاده می‌شود که امام زمان علیه السلام در عصر غیبت نه تنها در سرداب مقدس مخفی نیست، بلکه هیچ مکان خاصی برای او وجود ندارد.

۱ - امام زمان علیه السلام در خطاب خود به ابراهیم بن مهزیار فرمود: «پدرم مرا وصیت کرده که در سرزمین‌های دور مخفی و سکنی‌گزینم تا امرم برای مردم

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۳۷، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۴۳.

مخفی بماند، و محلم از کیده‌های اهل گمراهی و ارتداد از حوادث امت‌های گمراه محفوظ بماند، لذا این سفارش مرا به تپه‌های بلند کشانده است...»^۱
 ۲ - و نیز در روایتی دیگر در مورد آن حضرت می‌خوانیم: «...کسی که در شهرها حاضر و از دیدگان غائب است»^۲.

شیخ صدوق همین اعتقاد را در کتاب «الهدایة» آورده است.^۳

شیعه معتقد است که گرچه از زمان غیبت صغری تاکنون حضرت از عموم مردم غائب بوده است ولی این بدان معنا نیست که هیچ کس نتوانسته است خدمت او شرفیاب شود، چه بسیار افرادی که در غیبت صغری و کبری به خدمت آن حضرت رسیده و از برکاتش استفاده‌ها برده‌اند، که در لابلای کتب به آن اشاره شده است.

ابوجعفر کلینی در کتاب «کافی» بابی را به نام «باب فی تسمیة من رأه» آورده و روایات بسیاری را در مورد کسانی که به خدمت حضرت شرفیاب شده‌اند آورده است.^۴

و نیز شیخ مفید در کتاب «الارشاد» و شیخ صدوق در «کمال الدین» و دیگران در این زمینه روایاتی را ذکر کرده‌اند.^۵

اسحاق بن عمار از امام صادق عجل الله فرجه نقل می‌کند که فرمود: «للقائم غیبتان: احدهما قصیرة والأخری طویلة. الغیبة الاولى لا یعلم بمكانه فیها إلا خاصة

۱. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۱. ۲. بحار الانوار.

۳. الهدایة، ص ۳۰. ۴. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹ - ۳۳۲.

۵. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱ - ۳۵۵، کمال الدین، ص ۴۲۴ - ۴۳۴.

شیعته، والأخرى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصة موالیه»؛^۱ «برای قائم دو غیبت است یکی کوتاه و دیگری طولانی، در غیبت کوتاه کسی غیر از خواص از شیعیانش از مکان او اطلاع ندارند، و در غیبت دوم نیز تنها خواص از دوستدارانش از مکان او آگاهند».

رابعاً: از جمله دروغ‌هایی که به شیعه امامیه نسبت داده‌اند این‌که آنان معتقدند که امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان از سرداب سامرا خروج خواهد کرد، همان‌گونه که در لابلای عبارات مخالفین مشاهده نمودیم. ولی با مراجعه به کتب حدیثی و تاریخی و دیگر کتب شیعه پی خواهیم برد که آن‌ها هرگز چنین اعتقادی را ندارند، بلکه معتقدند که آن حضرت همانند جد بزرگوار خود از مکه ظهور و خروج خواهند نمود.

فضل بن شاذان نیشابوری به سند خود از امام صادق علیه السلام و او از امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی طویل نقل می‌کند که فرمود: «هوالتاسع من ولدك يا حسين، يظهر بين الركين...»؛^۲ «...او نهمین از فرزندان توست ای حسین! که بین رکن و مقام ظهور خواهد کرد...».

صفوان بن یحیی نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «القائم منا منصور بالرعب، مؤید بالنصر... فعند ذلك خروج قائمنا، فإذا خرج اسند ظهره إلى الكعبة واجتمع إليه ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً. وأول

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹.

۲. معجم احادیث المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۳، ح ۵۷۸.

ما ينطق به هذه الآية ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱؛ «...»^۲ «همانا

قائم از ما کسی است که به رعب و ترس یاری شده و به نصرت تأیید می شود....

تا آن که فرمود: در آن هنگام است خروج قائم ما، پس هنگامی که خروج کند بر

کعبه تکیه دهد، در آن هنگام ۳۱۳ نفر دور او جمع می شوند، و اولین نطقی که

می کند قرائت این آیه است: ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۳....

محمد بن ابی عمیر نیز به سند خود از امام صادق عج نقل می کند که

فرمود: «هنگامی که خداوند متعال به قائم اذن خروج می دهد او بالای منبر

رفته و مردم را به خود دعوت می کند آنان را به خدا قسم داده و دعوت به

حقیقت خواهد نمود. امر می کند که به سیره رسول خدا ص عمل کرده و به مانند

او رفتار نمایند. آن گاه خداوند عزوجل جبرئیل را می فرستد تا به نزدیک او آید.

جبرئیل در حطیم فرود می آید و به او عرض می کند: به چه چیزی مردم را

می خوانی؟ امام او را جواب می گوید....^۴

و نیز از امام صادق عج روایت شده که فرمود: «ینادی باسم القائم فیؤتی

وهو خلف القائم»؛ «به اسم قائم عج ندا داده می شود، آن گاه او می آید و پشت

مقام ابراهیم قرار می گیرد....»^۴

۱. سوره هود، آیه ۸۶

۲. کمال الدین، ص ۳۳۱، ح ۱۶، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۴۲.

۳. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۳، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲.

۴. غیبت نعمانی، ص ۲۶۳، ح ۲۵.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور
- ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور